

عنوان مقاله:

کارکردهای متناقض واژه « باران » در شعر شفیعی کدکنی و بدرشاكرالسیاب

محل انتشار:

مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره 6، شماره 19 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

ابوذر قاسمی آرانی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، ایران

علی سلیمی - استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، ایران

زینب خرم آبادی آرانی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی کاشان، ایران.

خلاصه مقاله:

شاعران معاصر برای بیان افکار فلسفی و اجتماعی خویش، از ابزارهای مختلفی بهره گرفتند. از مهم ترین و بارزترین آنها استفاده از نمادها است؛ یکی از نمادهای طبیعی، باران است که در شعر معاصر فارسی و عربی جلوه ی ویژه ای یافته است؛ و در شعر شفیعی کدکنی و بدرشاكرالسیاب، کارکرد نماد شناختی پر رنگی دارد. هر دو شاعر با استفاده از این نماد، سروده های سمبولیستی قابل توجهی خلق کرده اند و در قالب آن افکار سیاسی فلسفی خود را به خوبی به تصویر کشیده اند. نگارندگان در این مقاله با رویکردی تطبیقی، متاثر از مکتب آمریکایی به کارکرد نمادین و متناقض باران، در اشعار شفیعی کدکنی و بدرشاكرالسیاب می پردازند و این نتایج حاصل شده است که هر دو شاعر به برداشتی مشترک درباره مفهوم باران رسیده اند؛ یعنی برای بیان مفاهیم سیاسی و اجتماعی خویش، با بکارگیری ابعاد متضاد واژه « باران » بر عمق و تاثیر سمبولیک این کلمه افزوده اند و سیلاب هایی از مفاهیم مثبت(شادی، حیات بخشی و باروری، رستخیز و...) و منفی (مرگ، ویران گری، یاس و ناامیدی و...) را بر سر خوانندگان فرود آورده اند. البته مفاهیم مثبت و زندگی بخش «باران» در اشعار هر دو شاعر در مقایسه با مفاهیم منفی آن بسامد بالاتری دارد.

کلمات کلیدی:

نماد، باران، شعر، شفیعی کدکنی، بدرشاكرالسیاب

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1308908>

